

Stop Saying "Good": Enjoyable, Rewarding or Worthwhile?

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

106 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Martin, was the weekend photography course good?

مارتین، دوره عکاسی آخر هفته خوب بود؟

Yes, it was good.

بله، خوب بود.

Was the walk through the old city good?

پیاده‌روی در بخش قدیمی شهر خوب بود؟

Also good.

آن هم خوب بود.

And was helping the beginners good?

و کمک به افراد مبتدی خوب بود؟

Very good.

خیلی خوب.

Three different experiences and one very vague adjective.

سه تجربه متفاوت و یک صفت بسیار مبهم.

I can already see where this is going.

از همین حالا می‌فهمم قرار است به کجا برسیم.

Today, good becomes enjoyable, rewarding or worthwhile.

امروز «good» را با «rewarding»، «enjoyable» یا «worthwhile» دقیق‌تر می‌کنیم.

Welcome to Your English Toolbox and Practice Arena Five-Minute English.

به Your English Toolbox و Practice Arena Five-Minute English خوش آمدید.

I am Martin.

من مارتین هستم.

And I am Julia.

و من جولیا هستم.

Today we are choosing a more precise word for a positive experience.

امروز برای یک تجربه مثبت، واژه‌ای دقیق‌تر انتخاب می‌کنیم.



Let us begin with enjoyable.

بیایید با «enjoyable» شروع کنیم.

Enjoyable means pleasant and giving you pleasure.

یعنی لذت بخش و خوشایند «Enjoyable».

A film can be enjoyable.

یک فیلم می تواند «enjoyable» باشد.

A meal can be enjoyable.

یک وعده غذا می تواند «enjoyable» باشد.

And the walk through the old city was very enjoyable.

و پیاده روی در بخش قدیمی شهر بسیار لذت بخش بود.

Enjoyable focuses on how the experience felt while it was happening.

بر احساسی تمرکز دارد که هنگام تجربه چیزی داشتید «Enjoyable».

It does not have to be amazing or important.

لازم نیست شگفت انگیز یا مهم باشد.

It simply gave you a good time.

فقط باعث شده اوقات خوشی داشته باشید.

For example: We had an enjoyable evening with our neighbours.

برای مثال: «شب لذت بخشی را با همسایه هایمان گذرانیدم».

Or: The book was light but enjoyable.

یا: «کتاب سبک اما لذت بخش بود».

Can I say, "I was enjoyable"?

می توانم بگویم «I was enjoyable»؟

Only if you mean that other people enjoyed spending time with you.

فقط اگر منظورتان این باشد که دیگران از وقت گذراندن با شما لذت بردند.

Ah.

آها.

If I enjoyed the course, the course was enjoyable, and I enjoyed it.

اگر از دوره لذت بردم، خود دوره «enjoyable» بود و من از آن لذت بردم.

Exactly.

دقیقا.

Do not say that you were enjoyable when you mean that you had fun.

وقتی منظورتان این است که خوش گذشت، نگویید خودتان «enjoyable» بودید.



Now let us look at rewarding.

حالا «rewarding» را بررسی کنیم.

Rewarding describes something that gives you satisfaction, a sense of achievement or personal value.

چیزی را توصیف می‌کند که رضایت، حس موفقیت یا ارزش شخصی به شما می‌دهد «Rewarding».

It often requires effort.

اغلب به تلاش نیاز دارد.

Teaching can be rewarding.

آموزش دادن می‌تواند رضایت‌بخش باشد.

Learning a difficult skill can be rewarding.

یادگیری یک مهارت دشوار می‌تواند رضایت‌بخش باشد.

And helping the beginners with their cameras was rewarding.

و کمک به افراد مبتدی برای کار با دوربین‌هایشان رضایت‌بخش بود.

Why not simply enjoyable?

چرا فقط نگوییم «enjoyable»؟

It may have been enjoyable too.

ممکن است لذت‌بخش هم بوده باشد.

But rewarding explains the deeper satisfaction you felt because your effort helped someone.

اما «rewarding» رضایت عمیق‌تری را بیان می‌کند که از کمک کردن به کسی با تلاش خود احساس کردید.

So an experience can be difficult and still be rewarding.

پس یک تجربه می‌تواند دشوار و در عین حال رضایت‌بخش باشد.

Absolutely.

کاملاً.

Training for a race may be exhausting but rewarding.

تمرین برای یک مسابقه می‌تواند خسته‌کننده اما رضایت‌بخش باشد.

A rewarding job is not necessarily an easy job.

یک شغل رضایت‌بخش لزوماً آسان نیست.

Correct.

درست است.

The value often comes from the challenge, progress or contribution.

ارزش آن اغلب از چالش، پیشرفت یا مشارکت می‌آید.

Our third word is worthwhile.

واژه سوم ما «worthwhile» است.



Worthwhile means worth the time, effort or money that you give to something.

یعنی چیزی ارزش زمان، تلاش یا پولی را دارد که برایش صرف می‌کنید «Worthwhile»

The course cost money and took the whole weekend.

دوره هزینه داشت و تمام آخر هفته را گرفت.

Was it worthwhile?

آیا ارزشش را داشت؟

Yes.

بله.

I learned techniques that I will use for years.

فناونی یاد گرفتم که سال‌ها از آن‌ها استفاده خواهم کرد.

Then you can say: The course was worthwhile.

پس می‌توانید بگویید: «دوره ارزشش را داشت.»

Or: It is worthwhile to compare several options before you decide.

یا: «ارزش دارد پیش از تصمیم‌گیری چند گزینه را مقایسه کنید.»

We also often say: It is worth doing something.

همچنین اغلب می‌گوییم: «It is worth doing something».

The course was worthwhile.

دوره ارزشمند بود.

It was worth taking.

شرکت کردن در آن ارزش داشت.

Be careful: worthwhile is one word.

توجه کنید: «worthwhile» یک کلمه است.

And we do not say “worthful” or “worthy”.

و «worthful» یا «worthy» نمی‌گوییم.

What is the difference between rewarding and worthwhile?

تفاوت «rewarding» و «worthwhile» چیست؟

Rewarding focuses on the satisfaction or value you receive.

بر رضایت یا ارزشی تمرکز دارد که دریافت می‌کنید «Rewarding».

Worthwhile is a judgement: the result justified the time, effort or cost.

یک ارزیابی است: نتیجه، زمان، تلاش یا هزینه را توجیه کرده است «Worthwhile».

A long project can be both rewarding and worthwhile.

یک پروژه طولانی می‌تواند هم رضایت‌بخش باشد و هم ارزش انجام دادن داشته باشد.



And enjoyable?

و «enjoyable»؟

That focuses on pleasure.

این واژه بر لذت تمرکز دارد.

Something can be enjoyable but not worthwhile.

چیزی می‌تواند لذت‌بخش باشد اما ارزش وقت گذاشتن نداشته باشد.

Like watching six hours of short videos instead of doing your work?

مثل شش ساعت دیدن ویدئوهای کوتاه به جای انجام کارتان؟

Very enjoyable.

خیلی لذت‌بخش.

Perhaps not worthwhile.

شاید ارزشش را نداشته باشد.

Let us compare the three words.

بیایید این سه واژه را مقایسه کنیم.

Enjoyable means pleasant and fun to experience.

یعنی تجربه‌ای خوشایند و لذت‌بخش «Enjoyable».

Rewarding means giving satisfaction, achievement or personal value.

یعنی چیزی رضایت، حس موفقیت یا ارزش شخصی می‌دهد «Rewarding».

Worthwhile means worth the time, effort or money involved.

یعنی چیزی ارزش زمان، تلاش یا پول صرف‌شده را دارد «Worthwhile».

Time for a quick challenge.

وقت یک چالش کوتاه است.

Choose enjoyable, rewarding or worthwhile before we answer.

پیش از شنیدن پاسخ، «rewarding»، «enjoyable» یا «worthwhile» را انتخاب کنید.

Situation one.

موقعیت اول.

You spend a relaxed evening laughing with friends.

یک عصر آرام را با خندیدن در کنار دوستان می‌گذرانید.

It was enjoyable.

لذت‌بخش بود.

Situation two.

موقعیت دوم.



You mentor a new colleague and feel proud when her confidence grows.

به یک همکار جدید راهنمایی می‌دهید و وقتی اعتماد به نفسش بیشتر می‌شود احساس غرور می‌کنید.

It was rewarding.

رضایت‌بخش بود.

Situation three.

موقعیت سوم.

A difficult course gives you a qualification that improves your career.

یک دوره دشوار مدرکی به شما می‌دهد که مسیر شغلی‌تان را بهتر می‌کند.

It was worthwhile.

ارزشش را داشت.

Situation four.

موقعیت چهارم.

A volunteer project requires effort, but it gives you a strong sense of purpose.

یک پروژه داوطلبانه به تلاش نیاز دارد، اما حس هدفمندی عمیقی به شما می‌دهد.

It was rewarding.

رضایت‌بخش بود.

Now improve this sentence: Learning English is good.

حالا این جمله را دقیق‌تر کنید: «یادگیری انگلیسی خوب است.»

Is the experience pleasant?

آیا تجربه خوشایند است؟

Learning English is enjoyable.

یادگیری انگلیسی «enjoyable» است.

Does your progress give you satisfaction?

آیا پیشرفتتان به شما رضایت می‌دهد؟

Learning English is rewarding.

یادگیری انگلیسی «rewarding» است.

Does the result justify your time and effort?

آیا نتیجه، زمان و تلاشتان را توجیه می‌کند؟

Learning English is worthwhile.

یادگیری انگلیسی «worthwhile» است.

On the episode page at yourenglishtoolbox.com, you can compare every example with Spanish, German, French or Farsi.

در صفحه اپیزود در yourenglishtoolbox.com می‌توانید هر مثال را با اسپانیایی، آلمانی، فرانسوی یا فارسی مقایسه کنید.



That contrast helps you notice the difference between words that a dictionary may translate in a similar way.

این مقایسه کمک می‌کند تفاوت واژه‌هایی را ببینید که فرهنگ لغت ممکن است به شکلی مشابه ترجمه کند.

The direct link is in the episode description.

لینک مستقیم در توضیحات اپیزود قرار دارد.

So, give me your final review of the weekend.

پس ارزیابی نهایی‌ات از آخر هفته چیست؟

The city walk was enjoyable.

پیاده‌روی در شهر لذت‌بخش بود.

Good.

خوب.

Helping the beginners was rewarding.

کمک به افراد مبتدی رضایت‌بخش بود.

Better.

بهتر.

And the photography course was definitely worthwhile.

و دوره عکاسی قطعاً ارزشش را داشت.

Now your review is as precise as your photographs.

حالا ارزیابی‌ات به دقت عکس‌هایت است.

The photographs still need work.

عکس‌ها هنوز به کار نیاز دارند.

Then next weekend may be worthwhile too.

پس شاید آخر هفته آینده هم ارزشش را داشته باشد.

See you next time, friends.

تا دفعه بعد، دوستان.

Goodbye.

خداحافظ.

